

Comparison of Victims' Rights in Islam and Iran with
the Statute of the International Criminal Court

خاستگاه حقوق بزه‌دیده در اسلام و ایران در
مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

M. Hatami

O. Asadi

1- Assistant Professor University of Kurdistan, Sanandaj,
Iran

2-Master of Criminal Law and Criminology, University of
Kurdistan, Sanandaj, Iran

مهدی حاتمی؛ امید اسدی

۱- استادیار دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه

کردستان سنندج ایران

Received Date: 2019/01/10

دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۰

Accepted Date: 2019/03/13

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۲

Abstract

Attention to victims and their needs and individual rights are important topics in criminology. Throughout history, past and present laws have provided different rights to victims, depending on the culture and beliefs of the community at that time, but compensation, rehabilitation and rehabilitation of victims have been the basis of these rights in all laws. It is not clear to anyone the need to protect the victims of crime, but what is important in this regard is to identify and prioritize the fundamental rights and needs of the victims and then to provide solutions and policies to protect the rights of the victims. Determining the legal status of the victim and examining similarities and differences between these rights in Islamic law, the ۱۳۹۲ International Criminal Court Statute and the Code of Criminal Procedure, and the strengths and weaknesses of the International Criminal Procedure Code, ۱۳۹۲, are the main focus of this study.

Keywords: Victim Rights, Islamic Law, Divine Statute, Victim Status, Criminal Procedure

چکیده

ی کی از موضوعات مهم در جرم‌شناسی توجه به بزه‌دیدگان و نیازها و حقوق آنها است. در تمام ادوار تاریخ، قانون‌های گذشته و معاصر حقوق‌های مختلفی را برای بزه‌دیدگان در نظر می‌گرفتند که این حقوق بستگی به فرهنگ و عقاید آن جامعه در آن زمان داشت ولی می‌توان گفت پایه و اساس این حقوق در همه قوانین مختلف یکی بوده که همان جبران و ترمیم و بازتوانی بزه‌دیده بوده است. ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان جرم بر کسی پوشیده نیست، اما آن چه که در این زمینه مهم و راهگشا می‌باشد شناسایی و اولویت‌بندی حقوق و نیازهای اساسی بزه‌دیدگان و پس از آن ارائه راهکارها و اتخاذ سیاست‌های کاربردی در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان است. هدف اصلی از انجام این پژوهش مشخص نمودن جایگاه حقوق بزه‌دیده و نقاط اشتراک و افتراق این حقوق در حقوق اسلام، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد این حقوق مد نظر است.

کلید واژه‌ها: حقوق بزه‌دیده، حقوق اسلام، اساسنامه دیوان، جایگاه بزه‌دیده، فرآیند کیفری.

مقدمه

بزه‌دیده از همان بدو تولد حقوق کیفری در جوامع باستانی تا روزگاری نزدیک به امروز، نقش عمده‌ای در دعاوی کیفری ایفا می‌کرده و در واقع خود به تنهایی بازیگر نیمی از این صحنه بوده است. از قانون هیتیا و حمورابی گرفته تا قوانین ایران، یونان و روم باستان و تمدنهای کهن و باستانی نظیر مصر و چین و از ادیان بزرگ الهی چون شریعت موسی گرفته تا نوشته‌های کلیسا در قرون وسطی و دین مبین اسلام، همه و همه بر اهمیت نقش بزه‌دیدگان در دعاوی کیفری و لزوم جبران خسارت وارده به آنان تأکید داشته‌اند (آشوری، ۱۳۷۷: ۳۵).

برای شناختن حقوق و جایگاه بزه‌دیده در نظام دادرسی باید به سوالاتی جواب داد: اول این که بزه دیده کیست؟ چه نقشی در نظام دادرسی دارد؟ چه اهدافی دارد؟ بزه دیده چه نقشی در به وجود آمدن نظام دادرسی دارد؟ حقوق او در نظام دادرسی چیست؟ چگونه می‌تواند به این حقوق دست یافت؟ و سوالات دیگری که می‌توان پرسید.

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری بزه‌دیده را این چنین تعریف کرده: بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود.

بزه‌دیده عنصری است که حقوق او با ارتکاب جرم مورد تجاوز قرار گرفته و همواره یکی از عناصر مهم نظام حقوقی بوده که در ادوار تاریخ و قانون‌های مختلف همواره با شدت و ضعف به حقوق آن توجه می‌شود. در واقع در اوایل به حقوق مادی آن توجه می‌شود و سعی می‌کردند به جبران خسارت‌های مادی ناشی از ارتکاب جرم عدالت کیفری را برای او برقرار کنند و بعدها علاوه بر حقوق مادی به حقوق برحق معنوی او نیز توجه شد. حقوقی که شاید بتوان بدون تردید گفت خسارت‌هایی شدیدتر از حقوق مادی به بزه‌دیده وارد می‌کند.

حمایت از قربانیان بزه‌کاری و کمک به آنان باید بخشی از ارزشهای اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات جامعه به بزه‌دیدگان باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این رو ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان را تضمین نماید اهمیتی قابل توجه دارد. اگر بخواهیم اقدامات و سیاستهای مورد نظر، علاوه بر ملاحظات بشر دوستانه در مورد بزه‌دیدگان و وضعیت آنان،

بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشد، پس لازم است پایه های حقوقی و اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزهکار نسبت به بزه دیده را تعیین کنیم. (Abdel Fattah, 1991: 43)

بزه دیده علاوه بر حقوق از دست رفته خود ناشی از جرم حقوقی دیگر بر سیستم دادرسی کیفری از زمان مورد تجاوز قرار گرفتن تا اجرای حکم دارد حقوقی مانند امنیت، احترام، آگاهی از نظام دادرسی، آگاهی از حقوق خود در این نظام، حمایت، توجه به حقوق او و ... که اگر به این حقوق توجه نشود آثار زیانبار زیادی از جمله بزه دیدگی ثانویه، ترک دادرسی، عدم اعتماد به نظام دادرسی و ... خواهد داشت. بنابراین می توان گفت رعایت این حقوق زمینه ها را برای جبران حقوق از دست رفته ناشی از بزه دیدگی جبران می کند در واقع این حقوق از اهمیت اساسی برخوردار هستند و پایه و اساس یک نظام دادرسی عادلانه را تشکیل می دهند و بدون توجه به این حقوق می توان گفت نظام دادرسی عادلانه به معنای واقعی کلمه ای وجود نخواهد داشت تا انتظار اجرای عدالت را برای بزه دیده از آن داشته باشیم.

دو نظام دادرسی در حقوق بین الملل وجود دارد که یکی از هدف های مهم خود را جبران حقوق بزه دیده می دانند. نظام دادرسی کیفری که بعد از به وجود آمدن دولت ها به کار گرفته شد و در طول تاریخ به شدت و ضعف سعی در جبران خسارات و توجه به بزه دیده کرده که می توان گفت در انجام این هدف خود تا حدودی شکست خورد و باعث به وجود آمدن نظام عدالت ترمیمی شد نظامی که هم در حقوق بین الملل و هم در حقوق اسلام به خصوص قرآن و تا حدودی قانون آیین دادرسی کیفری به آن توجه شده است. در واقع نظامیست که به ترمیم بزه دیده و همدردی با او توجه دارد که در نتیجه بهتر می تواند حقوق بزه دیده به خصوص حقوق معنوی او را جبران کند تا نظام دادرسی کیفری که یک نظام قضایی خشک است. تحقیقات مختلفی در جهان در مورد کارکرد نظام عدالت ترمیمی انجام شده که نشان از موفقیت این نظام به جبران حقوق بزه دیده با توجه به رضایت بزه دیدگان از این فرآیند های ترمیمی است. یکی از عوامل موفقیت نظام عدالت ترمیمی نسبت به نظام دادرسی کیفری این است که نظام عدالت ترمیمی ریشه در باورها و فرهنگ ها و عقاید دینی آن جامعه دارد بنابراین در به کار بردن فرآیند های ترمیمی باید به فرهنگ جامعه و عقاید دینی آنها توجه کرد.

بزه دیده در نظام دادرسی اسلام و حقوق بین الملل از جایگاه های متفاوت و گاه یکسان برخوردار است. حقوق در نظر گرفته برای بزه دیده متفاوت است که این حقوق جایگاه بزه دیده را در این دو نظام نشان

میدهد جایگاهی که در یک نظام والاتر از دیگری است. اسلام به بزه دیده به عنوان مظلوم نگاه کرده و احقاق حقوق مظلوم را یکی از اهداف الهی بیان می‌کند و برای جبران این حقوق دو دنیا برقرار کرده به خاطر این که بعضی از حقوق بزه دیده را در این دنیا و با توجه به پاداش‌ها و مجازات دنیوی نمی‌توان جبران کرد. اسلام مظلومین را وارثان نهایی و برحق زمین می‌خواند ولی در حقوق بین‌الملل تنها به یک بعد آن توجه شده و میتوان گفت حقوق بین‌الملل کامل نیست و نمیتواند همه ی حقوق از دست رفته بزه دیده را جبران کند ولی در حقوق اسلام اجرای عدالت و جبران حقوق بزه دیده وعده ای الهی است.

همچنین قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری که برگرفته از حقوق گرانقدر اسلام است سعی کرده توجه ویژه ای به حقوق بزه دیده داشته باشد که در این زمینه نسبت به قانون های گذشته توجه بیشتر به این حقوق داشته به طوری که علاوه بر حقوق مادی به حقوق معنوی بزه دیده هم توجه داشته که گام بسیار مثبت و جدیدی است و به این حقوق در تمام مراحل دادرسی کیفری از لحظه ارتکاب جرم تا اجرای حکم توجه ویژه ای داشته است و از این نظر نسبت به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پربارتر است.

بنابراین ما در این تحقیق به جایگاه حقوق بزه‌دیده در حقوق اسلام، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سه مبحث و در آخر در نتیجه گیری به مقایسه جایگاه این حقوق در این نظام‌ها، خواهیم پرداخت.

۱- حقوق بزه‌دیده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و تصویب اساسنامه آن بزه دیدگان از امتیازات ویژه و جایگاه بهتر و والاتری در حقوق بین‌الملل برخوردار شدند به طوری که از قرن بیستم به بعد حقوق بزه دیدگان به عنوان رکن اساسی پدیده مجرمانه در حقوق بین‌المللی و متعاقب آن در حقوق داخلی کشورها احیا و توجه ویژه ای به آن شد.

هاد ۸۱ آیین دادرسی و ادله دیوان، طی دو بند، بزه دیدگان را تعریف کرده است:

الف) قربانیان به معنای اشخاص حقیقی میباشند که در نتیجه ارتکاب هر جرمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، دچار آسیب شده اند.

ب) قربانیان ممکن است، شامل سازمانها یا نهادهایی شوند که اموالشان اختصاص به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه یافته و به آثار تاریخی، بیمارستانها، و دیگران امکان و اشیاء آنهایی که برای اهداف بشردوستانه می باشد، آسیب مستقیم وارد شده است.

برابر بند (ب) ماده ۸۱، سازمانها و موسسات تنها در صورتی بزه دیده شمرده میشوند که به طور مستقیم دچار آسیب شده باشند و دیگر آنکه این آسیب باید مستقیماً متوجه آن دسته از داراییهای آنان باشد که به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه اختصاص یافته است یا متوجه ابنیه تاریخی، بیمارستانها، و دیگر امکینی شده باشد که به منظور اهداف بشردوستانه ایجاد شدهاند. عبارتپردازی این بند محدودیتهایی را در نظر گرفته است و آسیب به منفعت اقتصادی را کافی نمیداند. مفاهیم تعریف نشدهای همچون (آسیب مستقیم)، (اختصاص یافته به مهیب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه) و (امکان و اشیای در نظر گرفته برای اهداف بشردوستانه) نیاز به تفسیر دارند. دیوان تاکنون در رویه خود آنگونه که بایسته است به این نکتهها توجه و آنها را تفسیر نکرده است. به هر حال، در دیوان این قضات هستند که محدوده اشخاص حقوقی را طبق صلاحدید خودشان تعیین و تبیین میکنند (Cattin-Donat.p, 1999 251-255).

به غیر از دیوان کیفری بین المللی، از سال های پس از پایان جنگ جهانی دوم تا اکنون دادگاه های کیفری بین المللی دیگری نیز تاسیس شده و برای محاکمه و به کیفر رساندن مرتکبان شنیع ترین جنایات بشریت لاش کردهاند. بزه دیدگان در برابر نسل اول دادگاههای کیفری بین المللی، یعنی دادگاه نظامی بین المللی و دادگاه نظامی بین المللی توکیو، «گروه شکست خورده بودند». منشور لندن دادگاه نورمبرگ مصوب ۸ آگوست ۱۹۴۵ در هیچ یک از مواد خود اشارهای به لزوم توجه به حقوق بزه دیدگان، جبران خسارت آنان و نقش احتمالی آنان در دادرسی نداشته است. این در حالی است که درخصوص «رفتار منصفانه با متهمان» ماده ۱۶ منشور فوق الذکر مقرراتی وضع کرده که می توان گفت برخی از مهمترین حقوق متهمان را تضمین کرده است. ماده ۹ منشور دادگاه توکیو نیز الزاماتی براینضمین محاکمه عادلانه برای متهم مقرر کرده است، اما همانند منشور لندن، به حقوق بزه دیدگان هیچ توجهی ندارد. دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین المللی رواندا نیز جایگاهی فراتر از حد شهود برای بزه دیدگان قائل نبودند، اگر چه غفلتی از نوع آنچه در دو دادگاه کیفری بین المللی نسل اول، درخصوص بزه دیدگان روا داشته شده بود، در این دو دادگاه بین المللی

اختصاصی صورت نگرفته است و آنان تا حدی مورد توجه قرار گرفته اند. به عنوان مثال، پاراگراف اول ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و پاراگراف اول ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و نیز ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به لزوم حفاظت از بزه دیدگان و شهود اشاره کرده‌اند. درخصوص موضوع جبران خسارات بزه دیدگان، از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا در این دو دادگاه بر می‌آید که قضات هیچگونه حکمی مبنی بر پرداخت غرامت به بزه دیدگان صادر نمیکنند و پس از محکومیت شخص متهم، متقاضی دریافت غرامت باید درخواست خود را در مراجع داخلی پیگیری کند. در برخی از آرای صادره در این دادگاهها، کثرت تعداد بزه دیدگان و شرایط دشوار آنان از کیفیات مشدده در تعیین مجازات متهم در نظر گرفته شده است؛ لیکن بزه دیدگان حقی برای مشارکت در فرایند رسیدگی این دو دادگاه ندارند. تنها در یک مورد و در دعوی دادستان علیه رادیسلاو کرستیچ، قضات به بزه دیدگانی که در جایگاه شهود حضور یافتند فرصت دادند تا در پایان شهادتشان آزادانه صحبت کرده، گوشه ای از این امر در عمل و برای نخستین بار در یک دادگاه کیفری بین‌المللی، مبنای ایجاد نظامی برای مشارکت بزه دیدگان قرار گرفت (Haslam, 2004: 319).

در اساسنامه رم و قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا در آن عنایت ویژه ای به بزه دیدگان و منافع و دغدغههای آنان به عمل آمده است. از جمله این موارد میتوان به حق مشارکت بزه دیدگان و ورود آنان در فرایند رسیدگی دیوان، حفاظت از آنان و نیز استحقاق ایشان در دریافت غرامت بابت صدمات وارد شده اشاره کرد. توجه به بزه دیدگان و مشارکت آنان در فرایند رسیدگی از موضوعات مورد بحث در جریان مذاکرات کنفرانس رم بوده است. «در کنفرانس رم، تدوین کنندگان اساسنامه به طور خاصی تحت تاثیر اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد درخصوص بزه دیدگان بودند» که به طور ویژه بر حق بزه دیدگان بر ارائه و اظهار دیدگاهها و نگرانیهای خود تاکید داشت. اساسنامه رم، در بر دارنده مقررات متعددی درخصوص حقوق بزه دیدگان و مشارکت آنان است. در این راستا، نخستین گام، شناسایی بزه دیدگان جرائمی مشمول صلاحیت دیوان است (رضوی فرد؛ فقیه محمدی. ۱۳۹۰، ۱۹۹).

در خصوص جبران خسارت بزه دیده که از مهمترین حقوق بزه دیده است در دیوان کیفری بین‌المللی، باید گفت اساسنامه رم در یکی از مهمترین رویکردهای خود امکان جبران خسارات بزه دیدگان را فراهم آورده است. هیچیک از دادگاههای کیفری بین‌المللی پیشین، اختیار اعطای غرامت به بزه دیدگان

را نداشتند. البته ماده ۷۵ اساسنامه که به موضوع جبران خسارات بزه‌دیدگان می‌پردازد، دیوان را به دادگاهی حقوقی که دعاوی خصوصی اقامه شده توسط طرفین دعوا را فیصله می‌دهد، تبدیل نخواهد کرد. جبران خسارات در دعاوی خصوصی در دیوان، وابسته به محکومیت کیفری است (Zappala, Salvatore, 2003 . 228).

بند ۱ ماده ۷۵ شدیداً مبهم است و معنای آن عمدتاً بستگی به تفسیر (قضایی) دیوان خواهد داشت. معنای اینکه دیوان قواعد کلی برای جبران خسارت مقرر خواهد کرد، چیست؟ مشخص نشده که آیا دیوان (در اینجا) به معنای شعبه رسیدگی کننده در حدود صلاحیت قضایی خود است یا خود دیوان به طور کلی و به عنوان یک ارگان اداری که گونهای از رهنمودهای اجرایی را برای جبران خسارت تصویب میکند (Schabas, William A. 2007 . 881). در بند ۶ اشعار میدارد که هیچیک از موارد مذکور در اینماده نباید به‌گونهای تفسیر شود که به حقوق بزه‌دیدگان مقرر در حقوق داخلی و بین‌المللی لطمه وارد آورد (Schabas, William A. 2007 , 879).

بر اساس بند اول دیوان می‌تواند هم بر مبنای انفرادی و هم بر مبنای جمعی و هم بر هر دو مبنای حکم به جبران خسارات دهد. نکته قابل توجه در این قاعده، توجه به حقوق محکومعلیه در کنار توجه به حقوق بزه‌دیدگان در تعیین خسارات وارد است. لذا توجه به حقوق شخص محکومعلیه نیز ضروری بوده و «قضات یک طرفه نخواهد بود بزه‌دیدگان تنها در خصوص احکام صادر شده بر جبران خسارات حق تجدیدنظرخواهی دارند قاعده ۱۵۰ مقررات شکلی تجدیدنظرخواهی بزه‌دیدگان را بیان داشته است. متعاقب ارائه درخواست تجدیدنظر، شعبه تجدیدنظر دیوان، دستور جبران خسارات صادر بر طبق ماده ۷۵ را ابرام، نقض یا اصلاح میکند (Schabas, William A. 2007 . 881).

تقویم خسارت ناشی از جرم به ویژه در خسارت‌های معنوی به دشواری صورت می‌گیرد به همین جهت گاه این تصور پیش می‌آید که خسارت معنوی قابل ارزیابی به وجه نقد نیست با این وجود اساسنامه دیوان به موضوع جبران خسارت بزه دیده به طور کامل توجه نموده و علاوه بر جبران خسارت مادی، خسارت های معنوی را نیز مد نظر قرار داده است هرچند که برخی لطمه های معنوی از جمله هتک حیثیت ناشی از تجاوز به عنف شاید هیچ‌گاه به طور کامل ترمیم نشود (اسدی، ۱۳۸۸: ۷۷).

دیوان در ماده ۶۸ اساسنامه به حمایت از امنیت بزه دیده و شهود می‌پردازد. بند سوم این ماده اجازه مشارکت کلی و مبهم بزه دیدگان را در جلسات دادرسی دیوان داده است. مبهم به خاطر این که اگر به

مشارکت فعال بزه دیدگان و به کار بردن فرآیندهای عدالت ترمیمی در مشارکت بزه دیدگان اشاره می‌کرد به نتیجه ای بهتری دست می‌یافت.

دیوان کیفری بین‌المللی نیز در مورد آگاه کردن مرحله به مرحله بزه دیدگان از نتایج رسیدگی و نتایج متخذ که از بنیادی ترین حقوق بزه دیدگان است تاکید دارد البته پیش از دیوان کیفری بین‌المللی نیز در اعلامیه ۱۹۸۵ بزه دیدگی مورد توجه و تاکید قرار گرفته بود. «اعلامیه مزبور مقرر میداشت بزه دیدگان از زمان بندی و پیشرفت رسیدگی در حل و فصل دعوی شان مطلع شوند. بند اول ماده ۶ این اعلامیه، که این موضوع را به عنوان تکلیفی برای مراجع قضایی و اداری مقرر کرده است و مطلع ساختن بزه دیدگان از جایگاه خود و چهارچوب زمان بندی و فرایند رسیدگی و تعیین تکلیف دعوی آنان مخصوصا زمانی که جرائم سنگین مطرح است و همچنین زمانی که بزه دیدگان چنین اطلاعاتی را در خواست کرده باشند.» اما بند اول این قاعده صراحتا اعلام کرده که در تمام مراحل رسیدگی به غیر از آنچه مد نظر بخش دوم اساسنامه است قابلیت اعمال دارد. بخش دوم اساسنامه شامل مقرراتی در خصوص مشارکت بزه دیدگان پیش از شروع تحقیقات مقدماتی توسط دادستان است. در بند دوم تاکید شده زمانی که دادستان تصمیمی مبنی بر مخالفت با آغاز تحقیقات و همچنین عدم تعقیب باشد، بزه دیدگان و نمایندگان حقوقی آنها باید حتما مطلع شوند و تاکید این بند صرفا اطلاع بزه دیدگان از آخرین تصمیمات دادستان است (رضوی فرد، فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

در دیوان کیفری بین‌المللی نیز حق متهم بر محاکمه منصفانه و بی طرفانه مورد تاکید اساسنامه قرار گرفته است و در ماده ۶۴ اساسنامه در مقام بیان عملکردها و اختیارات شعبه بدوی آن مرجع را موظف کرده تضمین کند محاکمه منصفانه و سریع بوده با احترام کامل به حقوق متهم و توجه لازم به حفاظت از بزه دیدگان و شهود قرار میگیرد و لذا مقررات قاعده ۸۷ از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا باید با در نظر داشتن حقوق متهم اعمال شود و تصمیم نهایی در مورد چگونگی برقراری توازن بین حقوق متهم و حقوق بزه دیده بر عهده دیوان کیفری بین‌المللی گذاشته شده است (رضوی فرد، محمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

در ماده ۱۵ اساسنامه دیوان بزه دیدگان حق مشارکت در مرحله شروع به تحقیقات را داده است به طوری که به آنها اجازه داده تا نظرهای خود را به شعبه مقدماتی ارائه کنند. این ماده حقی مهم را برای بزه دیدگان شناخته است به طوری که بزه دیدگان در مرحله ابتدایی حتی پیش از شروع به رسیدگی

حق مشارکت و ارائه نظر دارند. حق مشارکت بزه دیده در دادرسی مهم است به خاطر این که به غیر از بزه دیده کسی نمی داند چه حقوقی از آن مورد تجاوز قرار گرفته است.

در بند (۳) از ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بینالمللی به حق استفاده از مترجم اشاره دارد که بزه دیدگانی را که زبان دادرسی را درک نمی کنند در برمی گیرد. در واقع تا زمانی که بزه دیده زبان استفاده شده در دادرسی را درک نکند نمی توانند از حقوق خود دفاع کنند.

در بند دوم ماده ۷۵ بیان شده است که دیوان در مواقع مقتضی، حکم به پرداخت خسارت از طریق صندوق امانی میدهد. صندوق امانی که یکی از دست آوردهای مهم و جدید دیوان کیفری بینالمللی است، با هدف تسهیل توزیع مبالغی که در نتیجه محکومیت متهم توسط دیوان گرفته می شود، تاسیس شده اند.

۲- حقوق بزه دیده در اسلام

در حقوق اسلام بزه دیده و مظلوم از جایگاه ویژه ای برخوردار است که یکی از اهداف حقوق اسلام ستیز با ظالم، گرفتن حقوق بزه دیده از او و بیان مجازات های دنیوی و اخروی بزهکار است. قرآن همواره از بزه دیده در برابر ظالم حمایت کرده و ظالم را به مجازات های دنیوی و اخروی وعده داده است و فرموده خداوند از حقوق خود می تواند بگذرد ولی از حقوق الناس نمی تواند بگذرد که همین آیه نشان دهنده حمایت کامل از تمام حقوق بزه دیده است به خصوص وقتی که بیان می کند اگر عملتان به اندازه ذره ای باشد آن را محاسبه می کنم. درواقع قرآن قانون الهی است که خداوند همواره در آن وعده حمایت کامل از بزه دیده و جبران خسارت حقوق از دست رفته او و مجازات ظالمان را در هر دو دنیا می دهد و وعده قسط و میزان داده است.

قرآن قانون الهی برای یک جامعه اسلامی است قانونی که تمام و کمال همه حقوق آحاد جامعه را بیان کرده است به طوری که عدالت واقعی در بین افراد از آن سرچشمه می گیرد. پیامبر(ص) و امامان(ع) هم در تمام دوره گرانقدر حیات خود در تفسیر آیه های قرآن به حمایت از حقوق بزه دیده و مظلوم و به جنگ و ستیز با ظالم برخاستند و در گرفتن حقوق مظلوم اندکی درنگ نمی کردند که روایات و احادیثی که از ایشان باقی مانده نشانه ای این ادعاست. حقوق ناب اسلام که مظهر عدالت الهی است

برگرفته از قرآن و سنت پیامبر و امامان است بنابراین در اینجا به ذکر برخی از آیات و شواهدی همچون احادیث و روایات، سنت می پردازیم.

در حقوق اسلامی، نهادی به نام دیه پیش بینی شده است که عبارت از مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به بزه دیده یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود. در واقع، دیه همان حق جبران خسارت مادی ناشی از جرم ارتكابی به بزه دیده است. نص قرآن صریحاً به مسئله اشاره نموده است: و هرکس که مؤمنی را به خطا بکشد، بر اوست که به کفاره برده مؤمنی را آزاد کند ... و خونیهایی (دیه) به خانواده او بدهد... و اگر (مقتول) مؤمن و از قومی باشد که بین شما و ایشان پیمانی هست، آن گاه (قاتل) باید خونیهایی به خانواده او (مقتول) پردازد» (نساء ۹۲).

یکی از حقوق مهم بزه دیدهگان بالقوه و خاص آگاهی دادن به آنها در مورد چگونگی ارتكاب جرایم است تا با آگاهی مورد بزه دیدگی ثانویه قرار نگیرند. در قرآن کریم با اشاره به این موضوع، ضرورت آگاهی دادن را به پیامبر(ص) تذکر می دهد:

«یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب ۳۳، ۵۸).

نکته قابل توجه در این آیه این است که می فرماید خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. این امر حکایت از آن دارد که زنان محجبه و عفیف کم تر مورد تهاجم بزه کاران هستند.

همچنین در آیه ۲۸۲ سوره بقره، که به آیه دین معروف است، توصیه های لازم در مورد معاملات غیر نقدی به تفصیل بیان گردیده و تدابیر لازم جهت پیش گیری از وقوع جرایم مالی آموزش داده شده است.

از نظر فردی نیز فقها در کتب خود به این موضوع پرداخته اند که در صورت در معرض خطر بودن فرد یا افرادی به دلیل وجود شرایط جرم زاء، بر سایر افراد که از موضوع مطلع هستند، واجب است علاوه بر باز داشتن فرد در شرف بزهکاری از ارتكاب، مجنی علیه بالقوه را نیز از موضوع آگاه سازند(خویی، ۱۴۱۳: ۳۳۵).

خداوند متعال صراحتاً در قرآن کریم در حمایت از بزه دیده و مظلوم فرموده است: «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً؛ خداوند فریاد آشکار و بلند را دوست ندارد مگر آنکه کسی مورد ظلم و ستم قرار گرفته باشد و خداوند شنوا و داناست» (نساء، ۱۴۸).

خداوند در آیه ای دیگر به حمایت از بزه دیده تأکید می کند و حمایت از بزه دیده در برابر متجاوزان را راه خود می داند که این تأکید خداوند نشان دهنده اهمیت حقوق بزه دیده است و می فرماید «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟...» (نساء، ۷۵). در تفسیر این آیه نوشته شده است: از این آیه استفاده می شود که بر مسلمانان واجب شده است که اگر دیدند مسلمانی گرفتار ظالمی شده، به قدر قوه و قدرت خود باید اقدام کند و رفع شر آن را بنمایند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ص ۱۳۷). همچنین در حمایت از بزه دیده در آیه ای دیگر می فرماید: «هنگامی مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشان (و دیگر و منان) برمی خیزند» (شعراء، ۲۲۷).

خداوند به گرفتن حقوق بزه دیده از کسی تأکید می کند که به حقوق او تجاوز کرده است و با این راهنمایی راه اجرای عدالت را نشان می دهد و می فرماید: «پس آنکه تجاوز کند بر شما تجاوز کنید بر او برابر آنچه که به شما تجاوز کرده است و از خدا پروا نمایید (که از مرز مقابله به مثل تجاوز نکنید)» (بقره، ۱۹۴).

امام علی (ع) در سخنان خود به ضرورت مقابله با ظالم و یاری کردن بزه دیده همواره توصیه می کردند و می فرمودند: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ دشمن ظالم و یار ستمدیده باشید» (عبده، ۱۳۹۸: ۷۶). در حدیثی دیگر به جایگاه حقوق بزه دیدگان و ستمدیدگان اشاره می کند که هدف اصلی خود را احقاق این حق بیان می کند: «خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبوده، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند» (نهج البلاغه). همچنین به بهترین شکل عدالت را تعریف میکنند و می فرمایند: بهترین عدالت یاری مظلوم است (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

در مورد حمایت کردن دولت و بیت المال از بزه دیده دو حدیث از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) با شرح زیر وجود دارد:

از امام صادق (ع) در باره حکم مردی سؤال کردند که مردی را عمداً به قتل رسانده و سپس فرار کرده است و به او دسترس نیست. حضرت (ع) فرمودند: اگر مال دارد دیه کامل از آن گرفته می شود و گرنه از خویشاوندانش به نحو الاقرب فالاقرب گرفته می شود. اگر خویشاوندی ندارد، امام آن را می پردازد، زیرا خون مسلمان باطل نم ی‌شود. (عاملی، ۳۹۵: ۱۴۱۶).

همچنین از امام باقر (ع) در باره حکم نابینایی که چشم بینایی را از حدقه در آورده است پرسیدند. حضرت فرمود: عمد نابینا مانند خطاست. در این مورد دیه چشم در مال نابینا لازم است، اگر مالی ندارد دیه بر امام لازم است و حق مسلمان باطل نم ی‌شود. (عاملی، همان: ۸۹).

امام علی (ع) جبران حقوق مظلوم و بزه دیده را یکی از وظایف حکومت اسلامی بیان می کنند و می فرمایند: «مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول باشند و کافران هم بهره مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می شود و با کمک آنها با دشمنان م ی‌توان مبارزه کرد. جادها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود» (خسروشاهی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱).

امام سجاد (ع) نیز در حمایت بزه دیده می فرمایند: حق همسایه آن است که در غیاب وی او را حفظ کنی و هنگام حضورش او را محترم بشماری و هنگام ستم دیدن او را یاری کنی (صدوق، بی تا، ج ۲: ۶۲۳).

زمانی که جامعه نمی تواند فرد را در مقابل بزه کار حمایت کند، نمی تواند او را از حق دفاع نیز محروم نماید. در نظام حقوقی اسلام دفاع حق مسلم فرد مورد تجاوز شناخته شده است. امام صادق (ع) می فرماید: زمانی که بر سارق مسلح توانایی داشتی، او را از بین ببر و من در خون او با تو شریک هستم (حر عاملی، ۱۳۹۷: ۲۲۹).

۳- حقوق بزه دیده در قوانین دادرسی کیفری

باتوجه به این که حقوق بزه دیده از لحظه ارتکاب جرم مورد تجاوز قرار می گیرد و از این لحظه تا زمان اجرای حکم دادگاه باید حقوق بزه دیده را اتخاذ و رعایت کرد بنابراین ما هم به همین منظور در این مبحث حقوق بزه دیده را در دوگفتار قبل از دادرسی و در زمان دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را در ادامه بررسی می کنیم.

الف - حقوق بزه دیده قبل از دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی

تأمین حقوق بزه دیده قبل از ورود به مرحله دادرسی در دادگاه از اهمیت فراوانی برخوردار است و مرحله طولانی از زمان وقوع جرم تا شروع شدن به دادرسی را در بر دارد. قانون آیین دادرسی کیفری حقوق مختلفی را در این مرحله برای بزه دیدگان در نظر گرفته حقوقی مانند امنیت، حمایت، در دسترس بودن خدمات قضایی، دادن آگاهی و اطلاعات توسط مقام قضایی و ... و بسیاری از حقوق دیگر که می توان ذکر کرد. قانون آیین دادرسی کیفری در این مرحله به برقراری حقوقی که برای بزه دیده مشخص کرده توسط ضابطان دادگستری^۱ و دادسرا توجه ویژه ای کرده است. در این مرحله برخورد با بزه دیده بسیار مهم است برخوردی که پلیس به عنوان بازوی نظام کیفری انجام می دهد اگر برخورد مناسبی نباشد آثار مخرب زیادی در پی دارد آثاری مانند عدم اعتماد و اطمینان، نا امید بودن و ... که می توان ذکر کرد. بنابراین در این مرحله که بزه دیده به دلیل مورد تجاوز قرار گرفتن حقوقش توسط متهم بسیار حساس شده است باید حقوق او را به روش مناسبی به رسمیت شناخت و اعمال کرد. به خصوص قانونگذار در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری تمام مقامات قضایی را مکلف به رعایت حقوق شهروندی کرده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری به رویه های ترمیمی و میانجیگری در این مرحله اشاره شده و در برخی نهادها به خصوص کلانتری ها به تأسیس واحدهای مددکاری و مشاوره ای اقدام شده که با استفاده از فرایندهای عدالت ترمیمی به جبران خسارت بزه دیده ها می پردازند. در این مرحله اگر موسسات و پلیس که بازوی عدالت کیفری و مقدم در برخورد با پدیده مجرمانه و بزه دیده و بزه کار است، به صورت مناسب با بزه دیده رفتار نکنند باعث بی اعتمادی بزه دیده در به دست آوردن حقوق خود از طریق دادرسی و انصراف از ادامه دعوا و حتی بزه دیدگی ثانویه می شوند.

از حقوق پایه و اساس بزه دیده این است که به آسانی و راحتی در همه نقاط و همه زمان ها به مراجع قضایی دسترسی داشته باشد تا بتواند برای احقاق حق خود به آنها مراجعه کند به همین دلیل قانونگذار در ماده ۳۷ و ۶۹ ضابطان دادگستری و دادستان را مکلف کرده که شکایت کتبی یا شفاهی را همه

۱ - منظور از ضابطان دادگستری ضابطان عام (افسران نیروی انتظامی) و ضابطان خاص (در قانون بیان شده اند) است.

وقت قبول نمایند. البته برای مراجعه به این نهادها بزه دیده نیاز به احساس امنیت دارد که اگر در غیر این صورت باشد ممکن است دوباره مورد بزه دیدگی ثانویه قرار بگیرد و با بی اعتمادی از روند دادرسی منصرف شود یا این که اصلاً به نهادهای قضایی دادخواهی نکند. می توان گفت تا بزه دیده امنیت نداشته باشد سخنی از عدالت خواهی نخواهد زد که این خود باعث عقده حقارت و یا انتقامجویی خودسرانه می شود و در نتیجه نظم عمومی مختل خواهد شد. به دلیل مهم بودن این موضوع قانونگذار در سه ماده ۴۰ و ۹۷ و ۱۰۱ بر آن تأکید کرده: در ماده ۴۰ صراحتاً بر لزوم پوشیده ماندن هویت بزه دیده اشاره کرده است و بیان داشته است افشای اطلاعات مربوط به بزه دیده شهود و مطلعان و سایر اشخاص مربوط به پرونده توسط ضابطین دادگستری جز در مواردی که قانون معین میکند ممنوع است و تمهیدات لازم را جهت حفظ هویت بزه دیدگان به عمل آورده است. اهمیت این موضوع و خطراتی که ممکن است در این مرحله برای بزه دیده داشته باشد باعث شده قانونگذار در ماده ۶۳ برای تخلف از این مقررات مجازات تعیین کند. با توجه به اهمیت این موضوع در ماده ۹۷ نیز بازپرس را مکلف کرده به منظور حمایت از بزه دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور دهد. در ماده ۱۰۱ دوباره بازپرس را مکلف کرده که در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده از قبیل نام و نام خانوادگی نشانی و شماره تلفن احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده را به همراه داشته باشد تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه دیده اعمال می شود.

مهمترین حقوق بزه دیده در این مرحله که باید توجه شایان به آن توسط نهادهای قضایی شود، جبران ضرر و زیان بزه دیده و آگاهی دادن به بزه دیده در چگونگی مطالبه آن است که اگر به ترمیم خسارت های بزه دیده توجه نشود دیگر بزه دیده انگیزه و هدفی برای ادامه روند کیفری ندارد در واقع نسبت به این روند بی اعتماد می شود و ممکن است خود در پی جبران خسارت های وارده از طریق مرتکب یا جامعه بریباید یا ممکن است نتواند بازتوانی خود را به دست آورد و مورد بزه دیدگی های ثانوی قرار گیرد به خصوص مرتکبانی که از این وضعیت سوء استفاده می کنند به همین دلیل در این مرحله طبق ماده ۳۹ ضابطان دادگستری مکلف شدند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش

خود به مراجع قضائی ذکر کنند تا مورد رسیدگی قرار گیرد. می توان گفت شاید برترین حقوق بزه دیده این است که در تمام فرآیندهای دادرسی حق مشارکت و ارائه نظر داشته باشد چون به غیر از بزه دیده کس دیگری نمی داند چه حقوقی از او ضایع و مورد تجاوز قرار گرفته است در قانون آیین دادرسی کیفری به نوعی در این ماده و ماده های دیگر به این حق توجه شده است.

علاوه بر این که بزه دیده باید به راحتی به همه خدمات قضایی دست پیدا کند، صرف این دسترسی لازم ولی کافی نیست بلکه آگاهی بزه دیده از چگونگی مراجعه و به کدام نهاد، تحولات رسیدگی، آگاهی از حقوق خود، چگونگی بهرمنند شدن از خدمات قضایی، تحولات پرونده، آگاهی از ابزارها و راه ها برای دست یابی به حقوق خود و ... می تواند بزه دیده را در احقاق حقوق از دست رفته خود یاری کند به طوری که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری نیز بر این مهم در ماده ۳۸ تأکید کرده و ضابطین دادگستری را مکلف کرده است که شکای را از حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از سایر خدمات مشاوره ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه سازند. همچنین در ماده ۱۰۰ برای آگاهی بزه دیده از جریان دادرسی بیان می کند که شکای می تواند در تحقیقات حضور یابد صورت مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد. در واقع برای استفاده از حقوقی که برای بزه دیده در قانون در نظر گرفته شده است باید او را آگاه کرد. نهادهای قضایی نباید به صورت منفعل باشند بلکه باید به صورت فعال پاسدار حقوق بزه دیدگان باشند و همانطوری که قانونگذار در تبصره ماده ۹۹ بیان کرده چنانچه حقوقی از بزه دیده ای مورد تجاوز قرار گرفته باشد مراتب را به نحو مقتضی برای اقدام قانونی به او اطلاع دهند. یکی از اقدامات پسندیده اجتماع برای حمایت از بزه دیدگان خاص مثل افراد ناتوان زنان و اطفال به وجود آوردن سازمانهای مردم نهاد است که در ماده ۶۶ بر آن تأکید شده و تبصره ۲ این ماده ضابطان دادگستری و مقامات قضائی را مکلف کرده است که بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمانهای مردم نهاد مربوطه آگاه کنند.

از مهمترین حقوقی که بزه دیدگان خاص بر نهادهای قضایی در این مرحله دارند حمایت کامل از این بزه دیدگان است تا بتوانند حقوق خود را به دست بیاورند که اگر این حمایت ها نادیده گرفته شود خسارت جبران ناپذیری به اجتماع و نهاد قضایی وارد خواهد شد. بنابراین قانونگذار از این حقوق ویژه و مهم غافل نمانده است و در ماده ۷۰ و ۷۱ دادستان را مکلف کرده است که از حقوق قضایی این افراد

حمایت کند و بیان کرده که در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده محجور، طفل و یا مجنون باشد و ولی، قیم یا سرپرست قانونی نداشته یا به آنان دسترسی ندارد یا با وجود مصلحت اقدام نکند یا خودشان مرتکب جرم شده باشند و فوت وقت هم باعث ضرر شود با تعیین قیم موقت یا خود راساً باید اقدام کنند. همچنین در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب کند.

برای این که بزه دیده به آسودگی خاطر بتواند برای احقاق حقوق خود اقدام کند باید نهادهای قضایی از بزه دیده حمایت کنند و مانع‌ها را برطرف سازند، یکی از این مانع‌های مهم مشکلات اقتصادی است که بزه دیده را ناتوان از احقاق حق می‌کند به همین دلیل قانونگذار در ماده ۵۵۹ بیان می‌کند چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد از پرداخت هزینه شکایت معاف می‌شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی را نداشته باشد دادگاه می‌تواند در مورد همان موضوع که مورد ادعاست به طور موقت از پرداخت هزینه دادرسی معاف کند. همچنین برای این که بزه دیده تقصیری در به وجود آمدن این وضعیت نداشته و دیگر بیشتر از این خسارت نبیند قانون‌گذار در ماده ۶۲ هزینه اقدامات فوق و به طور کلی دادرسی را معاف کرده است. از حمایت‌های دیگر قانونگذار از بزه دیده حمایت از بزه دیدگان خاصی است که قادر به سخن گفتن نیستند و یا قادر به گوش کردن و فهمیدن نیستند این است که برای آنها مترجم انتخاب می‌کند تا بتوانند از حقوق خود دفاع کنند و ارتباط مناسب با دادرسی برقرار کنند به همین منظور که در ماده ۲۰۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.

وقتی فرد خود را بزه دیده نداند یا هرگز تصور احقاق حقوق خویش را نکند و یا خود را در معرض تهدید و سرزنش دیگران ببیند و امیدی به بهبود وضعیت خود نداشته باشد، به عبارت بهتر وقتی وی امیدی به مورد توجه قرار گرفتن نداشته باشد، دیگر اعلام شکایتی از بزه دیدگی خود به مراجع ذیربط نمی‌کند. حتی خانواده فرد قربانی، نهادها و یا مؤسسه‌های مربوط نیز گزارشی از آن نمی‌دهند. به عنوان

مثال طی تحقیقی که در مورد خشونت از سوی خانوادهاى در کانادا به عمل آمده است هفت درصد از اشخاص مسن در طی پنج سال قبل از انجام آن تحقیق، بدون اینکه اقدام به اعلام شکایتی کرده باشند، مورد خشونت و تعرضات روانی متنوعی قرار گرفته اند. (*La violence familial au Canada*). (۲۰۰۲: ۲۲)

ب- حقوق بزه دیده در زمان دادرسی

دادرسی از کلمه داد تشکیل شده است که به معنای اجرای عدالت، دادخواهی، عدل و داد است. هدف از دادرسی در تمام نظام های حقوقی جهان، سعی در اجرای عدالت واقعی میان افراد جامعه است تا این که به حقوق هم احترام بگذارند و نتوانند حقوق دیگران را مورد تجاوز قرار دهند و اگر حقوقی مورد تجاوز قرار گرفت با جبران آن توسط بزهکار بتوانند عدالت را برقرار کنند.

نظام دادرسی برای احقاق حقوق از دست رفته بزه دیده تنظیم می شود. قانون آیین دادرسی کیفری حقوق مختلفی را در این مرحله برای بزه دیده در نظر گرفته است حقوقی که باعث بازگشت جایگاه اجتماعی بزه دیده می شود به طوری که در حکم کلی قانونگذار در ماده ۲ اشاره کرده که دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد و حقوق طرفین را تنظیم کند.

یکی از حقوق اولیه بزه دیده آگاهی از دادرسی و جریان آن، آشنایی با حقوق خود در طول دادرسی، آگاهی از شرایط دادرسی و پرونده، اطلاع از اقدامات انجام شده و راه ها رسیدن به این حقوق است با توجه به اهمیت این موضوع قانونگذار در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره و بیان می کند که طرفین دعوا و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. با توجه به مهم بودن این حق قانونگذار نظام دادرسی را به فراهم آوردن سازوکارها و تضمین این حقوق امر کرده است که اگر در غیر این صورت باشد نظام دادرسی جلوه عدالت خواهی و اجتماعی بودن خود را از دست خواهد داد و محل مراجعه عده ای خاص از افراد جامعه خواهد شد. همچنین قانونگذار برای آگاهی بزه دیده از جریان پرونده و اقدامات انجام شده در ماده ۳۵۱ بیان می کند که شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنها می تواند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده اطلاعات لازم را تحصیل نماید و با اطلاع رئیس دادگاه به هزینه خود از آنها تصویر بگیرد.

مهمترین هدف بزه دیده یا مهمترین هدف از برپایی نظام دادرسی جبران حقوق بزه دیده و اجرای عدالت در مورد او است حقی که اگر رعایت نشود نظام دادرسی را به یک نظام پوچ و بیهوده تبدیل خواهد کرد. در واقع نظام دادرسی که ادعای اجرای چنین حقی را می‌کند و در عمل نتواند به این هدف دست پیدا کند کم مردم جامعه به آن بی‌اعتماد می‌شوند و مقبولیت خود را از دست خواهد داد و مردم در مراجعه و احقاق حق نزد آن اطمینان نمی‌کنند. برای همین قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری تأکید فراوان بر احقاق این حق داشته و متخلفان را به مجازات محکوم کرده است از جمله قانونگذار در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌کند دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید این ماده مهم بودن این امر را نزد قانونگذار بیان می‌کند به طوری که به رأی صادره توجه نکرده است به این که رأی که داده می‌شود رای محکومیت متهم باشد یا براءت و اگر حتی رای بر براءت متهم باشد دادگاه کیفری را به جبران ضرر و زیان‌هایی که متهم به بزه دیده وارد کرده، مکلف کرده است تا حقوق بزه دیده از بین نرود و در مورد او عدالت را برقرار کند. همچنین در ماده ۱۴ این قانون قانونگذار به طور کلی بیان کرده شکای می‌تواند جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. در این ماده نه تنها بر جبران خسارتهای مادی تأکید شده است بلکه در یک اقدام جدید و عادلانه بر جبران ضررهای معنوی که خسارتهای بیشتر از خسارتهای مادی به بزه دیده وارد می‌کند و همچنین جبران منافع ممکن‌الحصول که براساس روند طبیعی این منافع در آینده به وجود خواهند آمد و با از بین رفتن این منافع ضربه ای به بزه دیده وارد می‌شود، تأکید کرده است.

قانونگذار در ماده‌های متعددی دیگری به مسئله جبران خسارت توسط بزهکار اشاره کرده است. در ماده ۸۲ق.آ.د.ک مقرر داشته که در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که قابل تعلیق هستند مقام قضایی میتواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده و با اخذتأمین مناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شکای یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند..... در این ماده سازو کاری برای جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار پیش بینی شده است و حتی فراتر از این حتی فوت محکوم علیه وی را از این قاعده مستثنی نمی‌کند. ماده ۵۳۵ همین قانون چنین مقرر داشته

است: هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، قاضی اجرای احکام در صورت تقاضای محکوم له مطابق مقررات مربوط دیه را از ماترک محکوم علیه استیفاء میکند.

با توجه به مهم بودن این حق برای این که بزه دیده ترمیم یابد و حقوقش ضایع نشود قانونگذار در مواردی که مسئولی برای جبران حقوق بزه دیده وجود ندارد دولت را مسئول جبران حقوق بزه دیده قلمداد می کند و در ماده ۸۵ق.آ.د.ک به طور ضمنی به مسأله جبران خسارت توسط دولت اشاره کرده و این طور بیان می کند: در مواردی که دیه باید از بیت المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال میشود.

حمایت از بزه دیده در دادرسی از وظایف مهم قانونگذار است. بزه دیدگان ممکن است به دلیل مشکلاتی نتوانند به طور مناسب جریبان دادرسی را ادامه دهند در این جا قانونگذار باید با حمایت کامل خود از بزه دیده موانع و مشکلاتی همچون مشکلات اقتصادی را از سر راه آنها بردارد. به همین جهت قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری برخی از حقوق حمایتی را برای بزه دیده برقرار کرده به طور که در ماده ۳۶۷ از قانون آیین دادرسی کیفری که در آن قانونگذار برای شاکی که قادر به سخن گفتن برای احقاقی خود، برقراری ارتباط مناسب با دادگاه و دفاع از خود نیست، بیان کرده که دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین میکند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست. در ماده ۳۶۸ نیز دادگاه را مکلف کرده که برای شاکی یا مدعی خصوصی که ناشنوا یا قدرت تکلم ندارد مترجم انتخاب کند. همچنین در تبصره ماده ۳۶۷ از بزه دیدگانی که مشکلات اقتصادی دارند و ناتوان از گرفتن وکیل می باشند اقدام حمایتی تعیین وکیل تسخیری را برای آنها پیش بینی و بیان کرده که هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل برای شخص بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند طبق مفاد این ماده اقدام میکند. اهمیت این حق حمایتی قانونگذار را باید از اصل ۳۵ قانون اساسی فهمید که قانونگذار آن را از حقوق اساسی در دادرسی قلمداد کرده است و بیان کرده که در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تامین وکیل فراهم آید.

حق بهره‌مندی از خدمات وکیل و حتی الزام به استیفای آن (وکیل تسخیری) در جریان دادرسی کیفری، یکی از اساسی‌ترین حق‌هایی است که برای بزه دیده و متهم پیش‌بینی شده است و در قوانین گوناگون عادی هم شیوه تضمین این حق مورد قانونگذاری قرار گرفته است. به رسمیت شناختن حضور وکیل در عرصه عدالت کیفری از جمله بارزترین تضمینات دادرسی و برخورد منصفانه به شمار می‌آید. برخی اسناد خاص بزه دیدگان نیز در چارچوب حمایت حقوقی از بزه دیدگان این حق را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین دسترسی همه جانبه و بدون محدودیت به این حق در شمار حق‌های بنیادین شهروندان قرار دارد (پیرایی، ۱۳۹۵: ۳).

نظام دادرسی با نحوه عملکرد خود می‌تواند نتایج مثبت و منفی زیادی داشته باشد یکی از این عملکردها تسریع در فرآیندهای رسیدگی است به طوری که اگر به سرعت به ترمیم حقوق بزه دیده پرداخته شود بزه دیده از نظر روحی و روانی و مادی کمتر آسیب می‌بیند و با توان بیشتری به اجتماع باز می‌گردد در غیر این صورت آسیب‌های بیشتری به بزه دیده وارد می‌شود که جبران کردن آنها سخت و یا شاید اصلاً قابل جبران نباشند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری به این مهم توجه داشته است و بر آن تأکید کرده است. پس باید از اطاله دادرسی اجتناب شود، چه آنکه چنین امری در افزایش صدمات مادی و معنوی بزه دیده و حتی در تحریک وی جهت انتقام خصوصی موثر است. اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزه دیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تقلیل اجتماعی کاسته می‌شود (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۲۷).

و در پایان هم برای این که بزه دیده متحمل ضرر بیشتر نشود و یا با توجه به این که بزه دیده نقشی در به وجود آمدن این وضعیت ندارد مقصر اصلی که با عمل خود این وضعیت را به وجود آورده مسئول پرداخت هزینه دادرسی می‌داند به طوری که در ماده ۵۶۴ این طور بیان می‌کند که در صورت محکومیت متهم پرداخت هزینه‌های دادرسی به عهده اوست.

نتیجه‌گیری

بزه دیده مهمترین عنصر و جایگاه را در نظام دادرسی دارد که در قرن اخیر توجه شایانی به حقوق او شده است. جامعه، نظام دادرسی را برای آن استوار کرده که بتواند عدالت را در مورد بزه دیده برقرار کند هرچند با این که همواره حقوق مختلفی را برای بزه دیده شناخته باز هم در حال تکوین است و

نتوانسته به عدالت واقعی و آرمانی خود دست یابد و هر چه به جلوتر می رود حقوق مختلفی را برای بزه دیده شناسایی و برقرار می کند.

بزه دیده در حقوق اسلامی و ق.آ.د.ک جمهوری اسلامی ایران براساس مواردی که در متن ذکر شد جایگاه والاتر و حقوق بیشتری نسبت به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی دارد، ولی می توان گفت در برخی موارد یک هدف و دارای حقوق مشابهی هستند. در حقوق اسلام به بزه دیده وعده داده شده که به حقوق خود دست می یابد و هیچ شکی را در این زمینه باقی نگذاشته است. بزه دیده در این نظام اگرچه مورد ظلم قرار گرفته ولی دارای روحیه ای بالا است چون مطمئن است چه در این و دنیای دیگر حق و حقوق او ضایع نخواهد شد و به حقوق خود دست خواهد یافت و بسیاری از افراد از بیم همین وعده خداوند که گرفتار عذاب نشوند همواره سعی میکنند حقوق دیگران را با گناه و جرم ضایع نکنند که مطمئناً یک روزی باید این حقوق را جبران کنند.

در حقوق اسلام در قرآن و روایات و احادیث و سنت پیامبر(ص) و امامان(ع) همواره بر حقوق مظلومان و بزه دیدگان تأکید فراوان شده به طوری که پیامبر و امامان سراسر زندگی گرانبهای خود را در احیای این حقوق و دستگیری از مظلوم بودند و از ستمکاران و گناهکاران همواره احقاق حق می کردند و در روایات و احادیث زیادی مسلمین را در دستگیری از مظلوم نصیحت می کردند. در قرآن خداوند در آیات زیادی بر احقاق حقوق بزه دیده و عذاب مجرمان تأکید کرده است و وعده اجرای عدالت واقعی را به مردم داده است.

نظام حقوقی اسلام با قواعد فقهی جبران هرگونه خسارتی را امکان پذیر ساخته است؛ هر چند که عامل «تسبیب» و «لا ضرر» ورود خسارت، مقصر نباشد. به همین دلیل حتی در جرائم علیه تمامیت جسمانی از نوع خطای محض که برای مسبب هیچ گونه تقصیری نمی توان قائل شد، جبران ضرر و زیان را با عنوان دیه در نظر گرفته است.

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی همانند قانون آیین دادرسی کیفری توجه شایانی به حقوق بزه دیده شده به طوری که می توان گفت تساوی سلاح ها را در دادرسی ترافعی بین بزه دیده و متهم را دگرگون کرده اند.

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در قرن بیستم با تصویب یک تحول اساسی را در جهان برای حقوق بزه دیده به وجود آورد حقوقی که قبل از آن در حقوق بین المللی وجود نداشت به طوری که حقوق

داخلی بسیاری از کشورها به تبعیت از اساسنامه دیوان و به تقلید از آن حقوقی را برای بزه دیده در نظر گرفته اند.

قانونگذار در ق.آ.د.ک سعی کرده که حقوق اسلام را مبنا و الگو خود قرار دهد حقوقی مانند دیده، جبران خسارت بزه دیده، ستیز با بزه‌کار و ... که می‌توان ذکر کرد. همچنین برخی از حقوق خود را از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مانند مشارکت بزه دیدگان، تأمین امنیت، ... وام گرفته است. در نتیجه می‌توان گفت همانطور که در بالا موارد آن ذکر شده بزه دیده در حقوق اسلام و قانون آیین دادرسی کیفری از جایگاه والاتری از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برخوردار است به طوری که می‌توان گفت بزه دیده با ایمانی که در جامعه اسلامی به زندگی آن معنا می‌دهد هیچ وقت حقوق خود را از دست رفته نمی‌بیند چون در جبران حقوق به دو دنیا نظر دارد که وعده خداست به طوری که از اجرای حقوق خود هم در این دنیا غافل نمی‌شود و برای احقاق حقوق خود می‌کوشد. همچنین در بسیاری از حقوقی مانند جبران خسارات، اقدامات حمایتی و تأمینی و ... که در متن به آنها اشاره شد مشترک هستند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- ۴- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- ۵- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۸)، جبران خسارت ناشی از جرم در دیوان کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۷۳ حبیبی مجنده، محمد، دیر باز، مرضیه، دیوان کیفری بین‌المللی و حقوق بزه دیده در مراحل محاکمه و تجدید نظر، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲.
- ۶- پیرایی، موسی، بهره مندی از وکیل حق بزه دیده، سال ۱۳۹۵ سایت موسسه فرهنگی ایران

- ۷- رضوی فرد؛ بهزاد، فقیه محمدی. حسن (۱۳۹۰) تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین المللی، مجله حقوقی بینالمللی، نشریه مرکز امور حقوقی بینالمللی ریاست جمهوری سال بیست و هشتم، شماره ۴۵.
- ۸- تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرالحکم و دررالکلم؛ ترجمه محمدعلی انصاری؛ تصحیح مهدی انصاری قمی، ج ۵، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۷.
- ۹- خسروشاهی، قدرت‌الله، پیمان نمایان، شکر بیگی، علیرضا نشریه مهندسی فرهنگی سال ششم شماره ۵۷ و ۵۸ مهر و آبان ۱۳۹۰.
- ۱۰- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۸۳) اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه ان در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران در علوم جنایی، مجموعه مقالات دکتر محمد اشوری، انتشارات سمت.
- ۱۱- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار صعب، ج ۲.
- ۱۲- حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، بیروت مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۲۷، ۲۹ و ۲۰، تهران، ۱۳۹۷، ج. ج.
- ۱۳- خوبی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، انتشارات غدیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۴- حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲، ج، ۱۶ و ۲۹.
- ۱۵- احمدی، ذکراالله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۶- آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- نهج‌البلاغه، تحقیق شیخ محمد عبده، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ ق.
- ۱۸- سلیمانپور، محمدجواد(۱۳۸۴)، رابطه امنیت اجتماعی با ناامن سازی محیط جرم برای پیشگیری از جرائم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره های ۲ و ۳.
- ۱۹- علیزاده، مهدی(۱۳۸۲)، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، مشهد انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.

- 20- Haslam, Emily, "Victim Participation at the International Criminal Court: A Triumph of Hope over Experience?" In: The Permanent International Criminal Court, Legal and policy Issues, Edited by Dominic Mc Goldrik et al., Hart publishing, Oxford & Portland Oregon, 2004, p. 319.
- 21- Zappala, Salvatore, Human Rights in International Criminal Proceedings Oxford Monographs in International Law, Oxford University Press, 2003.
- 22- Schabas, William A., An Introduction to the International Criminal Court, third edition, Cambridge University Press, first published 2007.
- 23- Pillemer, K.A. & D. Moore, Highlights from a study of abuser of patients in nursing homes, In Journal of Elder Abuse and Neglect, 1999.
24. *La violence familiale au Canada: un profil statistique*, Pub. Statistique Canada, 2002.
25. Abdel Fattah, Ezzat, Understanding priminal victimization, prentice-Hall, 1991.

